



Iranian Scientific Association
of Public Administration



University of
Sistan and Baluchestan

Local Governance and Women's Empowerment: Explaining the Capacity of Non-Governmental Organization in Marginalized Urban Settlements of Zahedan

Elham Shirdel¹ | Morteza Masroor Alinoudehi² | Mahsa Abrin³

- ¹. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. E-mail: eshirdel@lihu.usb.ac.ir.
- ². Associate Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. E-mail: m.masroor@lihu.usb.ac.ir.
- ³. Ms.c. Student in Sociology, Department of Social Science, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. E-mail: mahsa.abrin@gmail.com.

Abstract:

Objective: Effective and inclusive local governance, particularly in marginalized urban settlements, depends on the capacity of local and civil society institutions to establish participatory mechanisms, promote equitable access to resources and services, and strengthen the agency of disadvantaged groups, including women. Within this framework, civil society organizations and associations serve as key actors in local governance by expanding opportunities for participation, strengthening social networks, and enhancing collective action capacities. These institutions can facilitate women's meaningful engagement in local decision-making and development processes while contributing to the enhancement of their individual, social, and economic empowerment in marginalized communities. The main purpose of the current research is to investigate the impact of NGOs in empowering women on the outskirts of Zahedan city. In this

Article type: Research

Cite this article: E. Shirdel, M. Masroor Alinoudehi, M. Abrin (2026). Local Governance and Women's Empowerment: Explaining the Capacity of Non-Governmental Organization in Marginalized Urban Settlements of Zahedan. *Governance and Development Journal*, 6 (2), 157-177. DOI: 10.22111/jipaa.2025.52037.1050.

Received: 16.05.2025

Revised: 10.11.2025

Accepted: 30.12.2025

Published: 22.06.2026



© The Author (s)

Publisher: University of Sistan and Baluchestan

research, five main factors of NGOs active in the field of women, including the provision of support services, education, health and entrepreneurship and trust in women's empowerment are examined.

Methods: The research method is a survey and the researcher made a questionnaire collection tool. The statistical population under study is women over 15 years of age from Shirabad neighborhood of Zahedan, who received services through active non-governmental organizations in this neighborhood. The sample size was determined by the Cochran formula of 366 people and by the cluster sampling method. The validity of the questionnaire was confirmed by experts and formal method. Both questionnaires of non-governmental organizations and women's empowerment and each of its dimensions have good reliability based on Cronbach's alpha coefficient. Data analysis was done using spss 21 software.

Results: Among the components of women's empowerment, based on the average, the individual empowerment component was at a higher level, the economic empowerment component was at an average level, and the social empowerment component was at a low level. In examining the correlation between the variable of women's empowerment and the independent variables of the research, respectively, there is a significant relationship between the variables of trust in NGOs, economical services, support services, educational services, and women's empowerment as a whole. The highest correlation between the variables of trust in civil institutions was with the variable of women's empowerment and the lowest correlation was between the variable of women's empowerment with the variable of health services, and there was no significant correlation between these two variables. In total, NGOs in different dimensions can explain 28% of the total changes in the empowerment of women in the suburbs of Zahedan.

Conclusions: The results of the research showed that NGOs have a significant impact on the empowerment of women in Shirabad. According to the results of the research, the level of trust in NGOs has a significant effect on the empowerment of women. The more women trust NGOs and act in accordance with the programs and goals of these institutions, the more likely they are to succeed and increase their empowerment. Education can increase women's empowerment by improving skills and become the basis for increasing opportunities and choices for women. Therefore, due to the lack of facilities in the underprivileged areas of Zahedan city and cultural issues that lead to the lack of progress of women in these areas, and considering financial, social, psychological, legal and family problems legal, which expose these women, it is suggested to take into account these conditions, precise and professional supports and actions in different dimensions.

Keywords: Local Governance, Empowerment, women, Community-Based Governance, NGOs.



دانشگاه سیستان و بلوچستان

حکمرانی و توسعه

پیاپی: ۳۴۶۱-۲۷۸۳

Homepage: www.jipaa.ir



مدرسه عالی دولتی سیستان و بلوچستان

حکمرانی محلی و توانمندسازی زنان: تبیین ظرفیت نهادهای مدنی در سکونتگاه‌های حاشیه‌ای شهر زاهدان

الهام شیردل^۱ | مرتضی مسرور علی نوده‌ی^۲ | مهسا ابرین^۳

^۱ نویسنده مسئول، استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

رایانامه: eshirdel@lihu.usb.ac.ir

^۲ استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

رایانامه: m.masroor@lihu.usb.ac.ir

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

رایانامه: mahsa.abrin@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۹ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱ کلیدواژه‌ها: حکمرانی محلی، توانمندسازی، زنان، حکمرانی اجتماع محور، نهادهای مدنی	هدف: حکمرانی محلی اثربخش و فراگیر، به‌ویژه در سکونتگاه‌های حاشیه‌ای، بر ظرفیت نهادهای محلی و مدنی برای ایجاد سازوکارهای مشارکتی، تسهیل دسترسی عادلانه به منابع و خدمات و تقویت عاملیت گروه‌های کم‌برخوردار، از جمله زنان، استوار است. در این چارچوب، نهادهای، تشکلهای و انجمن‌های مدنی به‌عنوان بازیگران کلیدی حکمرانی محلی، با گسترش فرصت‌های مشارکت، تقویت شبکه‌های اجتماعی و ارتقای ظرفیت کنش جمعی، می‌توانند زمینه حضور مؤثر زنان در فرایندهای تصمیم‌گیری و توسعه محلی را فراهم آورند و به تقویت توانمندی‌های فردی، اجتماعی و اقتصادی آنان در مناطق حاشیه‌ای یاری رسانند. براین اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تاثیر نهادهای مدنی در توانمندسازی زنان حاشیه شهر زاهدان است. در این تحقیق پنج نقش اصلی از سازمان‌های مدنی فعال در حوزه زنان، شامل ارائه خدمات حمایتی، آموزشی، بهداشتی و اشتغال زایی و اعتماد در توانمندسازی زنان مورد بررسی قرار می‌گیرد. روش پژوهش: روش تحقیق به صورت پیمایشی و ابزار گردآوری پرسشنامه محقق ساخته است. جامعه آماری مورد مطالعه زنان بالای ۱۵ سال محله شیرآباد

استناد: شیردل، الهام؛ مسرور علی نوده‌ی، مرتضی؛ ابرین، مهسا (۱۴۰۵) "حکمرانی محلی و توانمندسازی زنان: تبیین ظرفیت نهادهای مدنی در سکونتگاه‌های حاشیه‌ای شهر زاهدان" *حکمرانی و توسعه*، ۶(۳): ۱۷۷-۱۵۷. DOI: 10.22111/jipaa.2025.52037.1050



© نویسندگان

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان

زاهدان می‌باشد که خدمات را از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در سطح این محله دریافت می‌کردند. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران ۳۶۶ نفر و با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تعیین گردید. روایی پرسشنامه توسط خبرگان متخصص با روش صوری مورد تایید قرار گرفت. هر دو پرسشنامه نهادهای مدنی و توانمندسازی زنان و هر یک از ابعاد آن براساس ضریب آلفای کرونباخ از پایایی مطلوبی برخوردار هستند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS 21 انجام گرفت.

یافته‌ها: از بین مولفه‌های توانمندسازی زنان، براساس میانگین مولفه توانمندسازی فردی در سطح بالاتر و مولفه توانمندسازی اقتصادی در سطح متوسط و مولفه توانمندسازی اجتماعی در سطح کم قرار داشت. در بررسی همبستگی میان متغیر توانمندسازی زنان و متغیرهای مستقل تحقیق به ترتیب، بین متغیرهای اعتماد به نهادهای مدنی، خدمات اقتصادی، خدمات حمایتی، خدمات آموزشی، با توانمندسازی زنان بطور کل رابطه معناداری وجود دارد. بیشترین میزان همبستگی بین دو متغیر اعتماد به نهادهای مدنی با متغیر توانمندسازی زنان و کمترین همبستگی بین متغیر توانمندسازی زنان با متغیر خدمات بهداشتی بود که رابطه همبستگی معناداری بین این دو متغیر وجود نداشت. در مجموع، نهادهای مدنی در ابعاد مختلف میتواند ۲۸ درصد از کل تغییرات متغیر توانمندسازی زنان حاشیه شهر زاهدان را تبیین نماید.

نتیجه‌گیری: نتایج تحقیق نشان داد که نهادهای مدنی تاثیر معناداری بر توانمندسازی زنان در شیرآباد زاهدان دارند. مطابق با نتایج تحقیق، میزان اعتماد به نهادهای مدنی تاثیر معناداری بر توانمندسازی زنان دارد. هرچه زنان اعتماد بیشتری به نهادهای مدنی داشته باشند و مطابق با برنامه‌ها و اهداف این نهادها عمل کنند، امکان موفقیت و افزایش توانمندی در آنها افزایش می‌یابد. آموزش با ارتقاء مهارت‌ها می‌تواند، توانمندی زنان را افزایش دهد و زمینه ساز افزایش فرصت و انتخاب برای زنان شود. بنابراین، به دلیل کمبود امکانات در مناطق کم برخوردار شهر زاهدان و مسائل فرهنگی که منجر به عدم پیشرفت زنان در این محلات می‌شود و در نظر گرفتن مشکلات مالی، اجتماعی، روانی و خانوادگی و همچنین مشکلات حقوقی و ... که زنان را در معرض قرار می‌دهد، پیشنهاد میگردد با در نظر گرفتن این شرایط، حمایت‌ها و اقدامات دقیق و حرفه‌ای در ابعاد مختلف صورت گیرد.

مقدمه

امروزه جوامع در پی آن هستند تا تمام افراد جامعه خود را توانمند ساخته و سهم آنان را در توانمندسازی بالا ببرند (آچمدو همکاران، ۲۰۲۲). دولت‌های توسعه‌یافته در طول تاریخ برای توانمندسازی زنان اقداماتی انجام داده‌اند. اما بسیاری از کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه در این زمینه توفیق چندانی نداشته‌اند و همواره با معضل توانمندسازی زنان روبرو بوده‌اند (نصیری و بهشتی راد، ۱۳۹۳). مشارکت زنان

¹ Achmad

تاثیر زیادی در رشد اقتصادی و پیشرفت جامعه دارد. عبارتی جوامع با توانمندسازی زنان میتوانند پتانسیل کامل برای پیشرفت و توسعه پایدار خود بدست آورند و همچنین برابری و رفاه بیشتر را برای همه اعضای جامعه تقویت نمایند (گوگان^۱، ۲۰۲۴). توانمندسازی زنان فرآیندی است که در آن زنان آنچه را که می‌توانند باشند، انجام دهند و از شرایطی که قبلاً در آن محروم بودند بیرون آیند و شرایط مساعدی را برای خود بازآفرینی کنند (لی و نگیان^۲، ۲۰۲۱).

بررسی وضعیت زنان در زاهدان و استان سیستان و بلوچستان نشان می‌دهد نرخ بیکاری زنان استان بالاتر از میانگین کشوری است. همچنین نرخ مشارکت اقتصادی زنان استان به‌طور کلی پایین‌تر از میانگین کشور است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۳). علاوه بر این، درصد خانوارهای زن سرپرست در استان بالاتر از میانگین کشوری است که خود بیانگر آسیب‌پذیری بیشتر زنان در حوزه معیشت و رفاه اجتماعی است (آرامش و همکاران، ۱۴۰۰). این داده‌ها نشان می‌دهد که زنان زاهدان و استان سیستان و بلوچستان با وجود ظرفیت‌های انسانی و اجتماعی، نیازمند سیاست‌های هدفمند برای کاهش بیکاری، ارتقای مشارکت اقتصادی و تقویت جایگاه اجتماعی خود در فرآیند توسعه پایدار هستند. شیرآباد یکی از مناطق حاشیه شهر زاهدان است که از امکانات محدودی برخوردار است و زنان ساکن این منطقه دچار آسیب‌های روانی، خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی زیادی هستند (آبرین، ۱۴۰۰). تعداد قابل توجهی از جمعیت زنان حاشیه زاهدان بعنوان مرکز استان سیستان و بلوچستان از طوایف مختلف بلوچ، اهل تسنن و دارای سطح تحصیلات پایین هستند. اکثر خانواده‌هایی که در محله شیرآباد زندگی می‌کنند دچار مشکلات اساسی از نظر معیشتی و تامین امکانات و لوازم اولیه زندگی خود هستند (براهویی و همکاران، ۱۴۰۰).

یکی از زمینه‌های قدرت و مشارکت زنان، عرصه اجتماعی و مدنی است که ارتباط نزدیکی با شاخص‌های دیگر توسعه اجتماعی مانند جامعه مدنی، دموکراسی، عدالت اجتماعی، رفاه اجتماعی و سرمایه اجتماعی دارد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۶۴). مشارکت مدنی به معنای همکاری با نهادهای مدنی مستقل از دولت و عضویت در این نهادها است. این نهادها به صورت داوطلبانه و بدون هدف سود و بهره‌وری در راستای نیازهای شهروندان ایجاد می‌شوند و فعالیت‌های آنها شامل مسائل متنوعی از جمله علمی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی، هنری، خیریه، امور زنان، حمایت اجتماعی، بهداشت و درمان، توانبخشی، محیط‌زیست، عمران و آبادانی و موارد مشابه می‌شود (صادقی، ۱۳۹۵). سازمان‌های مردم‌نهاد یک پدیده اجتماعی هستند و به نوعی بستر تاثیرگذاری بر آحاد جامعه را طی جریان‌ها و فرایندهای تخصصی فراهم می‌آورند. اشتراک و مشارکت در این سازمان‌ها باعث تشویق افراد به انجام خدمات عام المنفعه و احساس تعهد نسبت به همدیگر می‌شود (بیدار و قاسمی، ۱۳۹۹).

¹ Gugan

² Le & Nguyen

سازمان‌های غیردولتی در حمایت از توانمندسازی زنان ضروری هستند و افزایش دسترسی به آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و اشتغال از طریق این سازمان‌ها به طور قابل ملاحظه‌ای توانمندسازی زنان را افزایش می‌دهد (کبیر، ۲۰۱۱). سیاست‌های توسعه و فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی در جامعه مدنی نقش مهمی در توانمندسازی زنان از جوانب گوناگون اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی و انتخاب‌های استراتژیک زندگی زنان دارد (ترزیاوغلو، ۲۰۲۴). مرور سیستماتیک توسط آل حکیم^۳ و همکاران (۲۰۲۲) در مورد نقش سازمان‌های غیردولتی در زمینه توانمندسازی زنان حاکی از آن است درک محدودی از توجه به مشکلات زنان و پیگیری نیازها و خواسته‌های آنها وجود دارد. بنابراین، دانش محدود از توانمندسازی زنان، توانایی سازمان‌های غیردولتی در خدمت به پیشرفت و توسعه پایدار زنان را مختل می‌کند. سازمان‌های غیر دولتی و نهادهای مدنی به عنوان یک محیط مناسب می‌توانند مشارکت و فعالیت‌های زنان را به ویژه در مناطق حاشیه‌ای ترغیب و توجیه کنند. مشارکت سازمان‌های غیردولتی اعتماد به نفس و روحیه کارآفرینی را تقویت می‌کند و در نهایت به تغییرات اجتماعی گسترده‌تر و توانمندسازی زنان مناطق حاشیه‌ای و روستایی کمک می‌کند (ترزیاوغلو، ۲۰۲۴).

از جمله نهادهای مدنی فعال در زاهدان طی سه دهه اخیر شامل بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان است که با اجرای طرح «توسعه جامعه محلی» از طریق تشکیل گروه‌های خودیار، صندوق‌های پس‌انداز خرد و آموزش مهارت‌های اجتماعی و حرفه‌ای، زمینه ایجاد کسب‌وکارهای گروهی و ارتقای کیفیت زندگی زنان را فراهم کرده است. در کنار آن، انجمن حمایت از حقوق زن با ارائه خدمات آموزشی، بهداشتی، مشاوره حقوقی و مددکاری اجتماعی به زنان آسیب‌دیده و حاشیه‌نشین، نقش حمایتی و آگاهی‌بخش داشته است. همچنین مجموعه‌ای از سازمان‌های مردم‌نهاد محلی مانند «خانه هدی»، «جمعیت خیراندیشان زهرای اطهر»، «مؤسسه توسعه و توان‌افزایی کنشگران اجتماعی فرزانه»، «انجمن بانوان یاردرخت زاریس» و «خیریه محسنین» با فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی و اقتصادی، شبکه‌ای حمایتی برای ارتقای وضعیت زنان ایجاد کرده‌اند. این ترکیب از اقدامات کارآفرینی، آموزشی، حقوقی و اجتماعی نهادهای مدنی در راستای کاهش آسیب‌پذیری زنان حاشیه‌نشین، الگویی پایدار برای توسعه درون‌زا، عدالت اجتماعی و مشارکت فعال زنان در فرآیند توسعه محلی مناطق محروم و حاشیه شهر زاهدان بعنوان مرکز استان سیستان و بلوچستان بوجود آورده است (آبرین، ۱۴۰۰).

امروزه نهادهای مدنی همواره سعی در انجام فعالیت‌های تخصصی و روشمند در جامعه محلی دارند. اغلب فعالیت‌ها با نگاه پایین به بالا صورت می‌گیرد و در تلاش هستند در سطح خرد کیفیت زندگی زنان کم برخوردار را از طریق توانمندسازی بهبود بخشند. این انجمن‌ها با اهداف متنوعی از جمله فرهنگی، اجتماعی، حمایتی و غیره، سعی در توانمندسازی اقشار مختلف جامعه دارد. بر این اساس، تحقیق حاضر به

¹ Kabeer

² Terzioğlu

³ Al Hakim

درک زیربنایی از توانمندسازی زنان حاشیه شهرها با استراتژی‌های موثر نهادهای مدنی می‌پردازد و به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی است که نهادهای مدنی چه نقشی در توانمندسازی زنان حاشیه شهر زاهدان ایفا می‌کند؟ ابعاد مختلف خدمات نهادهای مدنی (حمایتی، آموزشی، بهداشتی، اقتصادی و اعتماد) چگونه بر توانمندسازی فردی، اجتماعی و اقتصادی زنان حاشیه‌نشین شهر زاهدان تأثیر می‌گذارد؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مفهوم نهادهای مدنی در حوزه زنان شامل طیف وسیعی از گروه‌ها و سازمانهای غیر دولتی و داوطلبانه است که هدف آنها ترویج برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان است (برنی، ۲۰۲۱). در این پژوهش از نظریه کبیر و فوکو^۱ برای تبیین تأثیر نهادهای مدنی بر توانمندسازی زنان حاشیه‌ای استفاده شده است. به عقیده کبیر مفهوم توانمندسازی زنان شامل سه عنصر اصلی است: منابع، فرایندها و عاملیت (کبیر، ۲۰۱۰؛ میشر^۲ و همکاران، ۲۰۲۰). زنان زمانی که به منابع مختلف دسترسی داشته باشند توانمند می‌شوند (کبیر، ۲۰۱۰) و به عامل تغییر تبدیل می‌شوند (میشر و همکاران، ۲۰۲۰). در واقع، مراقبت‌های بهداشتی، آموزش و اشتغال به طور قابل ملاحظه‌ای توانمندسازی زنان را افزایش می‌دهد. همچنین به عقیده کبیر (۲۰۱۱) دسترسی به آموزش برای زنان در به دست آوردن درک بیشتر از حقوق خود و به دست آوردن آگاهی انتقادی از توانایی آنها برای تأثیرگذاری مثبت بر زندگی خود حمایت می‌کند. کبیر (۱۹۹۹) معتقد بود قدرت درونی زنان از دسترسی به منابع مهمتر است و استراتژی‌های توانمندسازی برای زنان باید بر اساس "قدرت درون" به عنوان وسیله‌ای برای بهبود دسترسی آنها به منابع، تقویت نقش آنها به عنوان عوامل تغییر و دستاوردها باشد.

مفهوم قدرت و خود هر دو هسته اصلی مفهوم توانمندسازی هستند (آل حکیم، ۲۰۲۲). فوکو قدرت را به صورت پراکنده می‌داند که نه تنها یک قدرت مسلط وجود دارد، بلکه قدرت‌های متعددی وجود دارد که به صورت فلکی ستارگان پراکنده شده‌اند، به عبارت دیگر قدرت همه جا هست. بنابراین، نهادهای مدنی میتواند به عنوان منبع قدرت از پایین به توانمندسازی زنان در دو سطح فردی و جمعی کمک نماید. ونکلاسن و میلر^۳ معتقدند سازمان‌های غیردولتی توسعه‌ای با اشکال متنوع قدرت نظیر قدرت فکری و روانی (توانایی‌های فکری، ظرفیت تصمیم‌گیری، نظیر عزت نفس و هویت)، قدرت اقتصادی (مهارت‌ها و دسترسی به منابع تولید) و قدرت اجتماعی (حمایت و همبستگی و مذاکره) میتوانند زمینه تغییرات در جامعه را ایجاد نمایند (بنیس، ۲۰۱۶). دیدگاه‌های فمینیستی از این فرض حمایت می‌کنند که زنان را میتوان از طریق شنیدن صدای آنها توانمند کرد، زیرا به افزایش مشارکت و خلاقیت زنان

¹ Bereni

² Kabeer & Foucault

³ Mishra

⁴ VeneKlasen & Miller

⁵ Bennis

کمک می‌کند و منجر به بهبود معیشت آنها می‌شود. این ایده مستلزم تشویق زنان به حاشیه رانده شده برای مشارکت در گفتگو برای رسیدگی به مسائل مختلفی است که آنها را از قدرت سلب می‌کند (ویجی محنان^۱ و همکاران، ۲۰۰۹) که نهادهای مدنی نقش اساسی در این زمینه ایفا می‌کنند.

نامداریان و خدمتگزار (۱۴۰۳) با تحلیل سوات موانع، راهبردها و پیشران‌های کارآفرینی زنان هیات علمی ایران را مشخص نمودند. براساس این تحقیق مهمترین راهبرد موثر در این گروه از زنان راهبرد تدافعی است که نیاز به جامعه و سیاستگذاری حمایتی برای رفع تعارضات کار و زندگی، انگیزه‌های مالی، ارتقای مهارت‌های کارآفرینی و افزایش مشارکت سیاسی زنان دارد. بوزر جمهوری و جوانی (۱۴۰۱) با روش تحلیلی توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی را در زنان روستایی منطقه رشتخوار بین دو گروه عضو و غیر عضو سمن مورد مقایسه قرار داده است. نتایج این پژوهش نشان داد سمن‌ها در توانمندسازی زنان روستایی موثر هستند و زنان عضو سمن دارای میزان بالایی از اعتماد به نفس، آگاهی، و گرایش به حضور در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی نسبت به زنان غیر عضو سمن هستند. پژوهش صالحی و همکاران (۱۴۰۱) با رویکرد تحلیل محتوای کیفی به بررسی ظرفیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد در توانمندسازی ساکنان مناطق حاشیه‌نشین پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که به دلیل محدودیت‌های دولت در ارتقای کیفیت زندگی این گروه‌ها، بهره‌گیری از ظرفیت‌های نهادهای مدنی ضرورتی اساسی دارد. در این مطالعه سه زیرمقوله اصلی شامل خط‌مشی‌گذاری اجتماع محلی، نهادسازی مردمی و روانشناسی رفتاری و دوازده کد کلیدی همچون آموزش، آگاه‌سازی، بسیج عمومی، جذب سرمایه‌های خرد، ایجاد مشروعیت اجتماعی و هماهنگی با شهرداری شناسایی شده‌اند. این یافته‌ها بیانگر آن است که سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند با ترکیب راهبردهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نقشی موثر در کاهش آسیب‌پذیری و ارتقای مشارکت اجتماعی ساکنان حاشیه‌نشین ایفا کنند.

شیردل (۱۴۰۱) با روش میدانی مداخله‌ای پژوهشی در زمینه تاثیر آموزش مجازی در ارتقای مهارت‌های فکری و اجتماعی کارآفرینی زنان خانه دار استان سیستان و بلوچستان پرداخت. جهت انجام این پژوهش دوره‌های آموزشی در مدت زمان معین برای زنان داوطلب برگزار گردید و مهارت‌های لازم اجتماعی و فکری در زمینه کارآفرینی به این گروه از زنان آموزش داده شد. قبل و پس از آموزش با ابزار پرسشنامه سنجش از سطح توانایی‌های زنان بعمل آمد که نتایج حاکی از افزایش توانمندی‌های زنان خانه‌دار بعد از دور آموزشی کارآفرینی بود. صیامی و ستاری وند (۱۴۰۰) پژوهشی در زمینه راهبردهای توانمندسازی کارآفرینی زنان سرپرست خانوار در سکونت گاه‌های غیررسمی مشهد انجام دادند. ۴ بعد در توانمندسازی پایدار این زنان موثر شناخته شد: افزایش کارگاه‌های شغلی برای زنان، افزایش انسجام و شبکه روابط اجتماعی زنان، بهبود سرمایه‌گذاری و تسهیلات، حمایت از خوداشتغالی زنان. کشاورزی و شمشیری (۱۳۹۹) الگوی مضامینی در پژوهش ترکیبی در مورد روش توسعه توانمند سازی زنان ایرانی استخراج

¹ Vijayamohanan

نمودند که در ۵ بعد اصلی دانش شخصی و محیطی، دیدگاه شخصی و محیطی، مهارت شخصی و محیطی سازمان می‌یابد. پژوهش قادرزاده و رضازاده (۱۳۹۸) با عنوان «مطالعه‌ی تجربه‌ی زیسته و درک زنان از مشارکت در نهادهای مدنی» بیانگر آن است که دسترسی به منابع و حضور در فعالیت‌های اجتماعی موجب افزایش کمیت و کیفیت مشارکت زنان بویژه در نهادهای مدنی می‌شود. زمینه‌هایی نظیر بازاندیشی خود، رشد اخلاق مدنی، گسترش احساس تعلق و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در تسهیل مشارکت مدنی زنان کمک می‌کند و شرایطی نظیر فرارفتن از مکان و کلیشه‌های اجتماعی و زنانگی و کسب فرصت‌های اجتماعی در فرایند مشارکت مدنی زنان مداخله می‌کنند. افزایش مشارکت مدنی، زنان را در عرصه فعالیت‌های اجتماعی، کارآمدی و تغییر بسترهای فکری، فرهنگی و زندگی ملال‌آور ترغیب می‌نماید که نهایتاً پیامد توانمندسازی ساختاری زنان در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی و فرهنگی را دربردارد.

سانز^۱ و همکاران (۲۰۲۴) تأثیر برنامه‌های مداخله سازمان‌های غیردولتی بر توانمندسازی زنان در شمال غنا را با روش پیمایش و ابزار پرسشنامه، مشاهدات و مصاحبه‌های غیررسمی بررسی کردند و به این نتیجه درست یافتند که کسب مهارت و استقلال مالی به طور قابل‌توجهی به توانمندسازی کمک می‌کند، و کسب مهارت‌ها میانجی‌رابطه بین برنامه‌ها و توانمندسازی است. ترزیاوغلو (۲۰۲۴) معتقد است در ترکیه، سازمان‌های غیردولتی با فعالیت‌های خود به توسعه و توانمندسازی کمک می‌کنند. در این تحقیق تغییرات ناشی از فعالیت‌های توانمندسازی سازمان‌های غیردولتی در توسعه زنان پناهنده و محلی در جامعه پس از بحران سوریه با روش کیفی و ابزار مصاحبه حضوری و آنلاین نیمه ساختاریافته مورد مطالعه قرار می‌گیرد. نتایج تحقیق آنها نشان داد فعالیت‌های توانمندسازی سازمان‌های غیردولتی متمرکز بر محورهای "طبقه و جنسیت"، "مشارکت جامعه" و "انسجام اجتماعی" بر زنان پناهنده و محلی جامعه پس از بحران سوریه تأثیر دارد. هیبز^۲ (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «من می‌توانم این کار را انجام دهم!» نقش یک سازمان مدنی زنان را در افزایش توانمندی روانی زنان و مشارکت مدنی در ولز بررسی کرده است. زنانی که با آنها مصاحبه شد افزایش در توانمندی روانی فردی خود را تجربه کردند، "خواهران" و دوستی‌های مهمی را تشکیل دادند و بیشتر در جامعه مدنی شرکت کردند. این پژوهش بر روش‌هایی متمرکز می‌شود که در آن سازمان‌های غیردولتی نقشی کلیدی در توانمندسازی فردی مصاحبه‌شوندگان، تجهیز بیشتر آنها به مهارت‌ها و منابع برای امکان مشارکت آتی آنها در زندگی مدنی دارند.

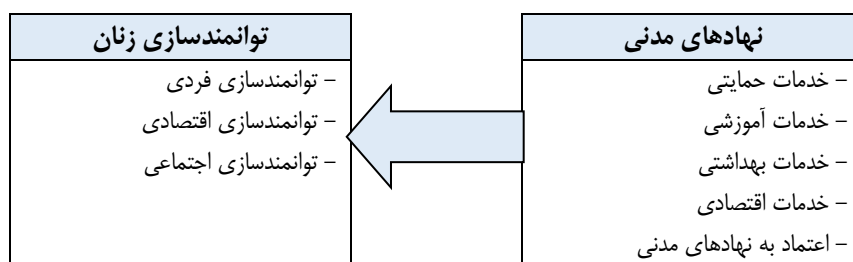
مینا^۳ و همکاران (۲۰۱۴)، پژوهشی با عنوان «توانمندسازی زنان در هند» انجام داده است. یافته‌های پژوهش او حاکی از آن است که توانمندسازی زنان در هند به شدت به متغیرهای مختلفی بستگی دارد که شامل موقعیت جغرافیایی، وضعیت تحصیلی، موقعیت اجتماعی و سن است. سیاست‌های توانمندسازی

¹ Sanze

² Hibbs

³ Meena

زنان در سطوح ملی، ایالتی و محلی (پانچایات) در بسیاری از بخش‌ها از جمله بهداشت، آموزش، فرصت‌های اقتصادی، خشونت مبتنی بر جنسیت و مشارکت سیاسی وجود دارد. با این حال، شکاف‌های قابل توجهی بین پیشرفت‌های سیاست و عملکرد واقعی انجمن‌ها وجود دارد. گلدمن و لیتل^۱ (۲۰۱۵)، در پژوهش با عنوان "سازمان‌های مردم‌نهاد نوآورانه مردمی و فرآیندهای پیچیده توانمندسازی زنان: یک تحقیق تجربی از شمال تانزانیا" چنین استدلال نمودند که توانمندسازی زنان یک فرآیند مداوم، فزاینده و رابطه‌ای است که در مقیاس‌ها و مسیرهای مختلفی رخ می‌دهد. با استفاده از رویکرد روش‌های ترکیبی زمینه‌ای، فرآیندهای توانمندسازی روستاهای ماسایی در شمال تانزانیا را در ارتباط با مداخلات دو سازمان غیردولتی نوآورانه مردمی اندازه‌گیری کردند. نتایج نشان‌دهنده افزایش عاملیت شخصی در خانواده و افزایش مشارکت سیاسی در سطح اجتماعی تحت تأثیر مشارکت سازمان‌های غیردولتی است. علاوه بر این، پیوندهایی را بین افزایش عاملیت شخصی و تغییرات در باورهای مربوط به هنجارهای جنسیتی در سطح اجتماعی نشان دادند. این امر پتانسیل دگرگون‌کننده برای تغییر و پیوندهای بین مسیرهای توانمندسازی را برجسته می‌کند. اسلام^۲ (۲۰۱۴)، در پژوهشی با عنوان "توانمندسازی زنان در بنگلادش: مطالعه موردی دو سازمان غیردولتی" بیان می‌کند توانمندسازی زنان یک مفهوم کل‌نگر و رویکردی چند بعدی است و جنبه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در بر می‌گیرد. نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد که دو سازمان غیردولتی مورد مطالعه به زنان در توانمندسازی اقتصادی کمک کرده‌اند. پژوهش حاضر، براساس مبانی تجربی و نظری بکار گرفته شده، تأثیر معنادار خدمات مختلف نهادهای مدنی بر توانمندسازی (فردی، اقتصادی و اجتماعی) زنان حاشیه شهر زاهدان (مورد مطالعه شیرآباد) را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.



نمودار ۱. مدل تجربی پژوهش

فرضیه‌های پژوهش عبارتند از:

۱- خدمات حمایتی نهادهای مدنی بر توانمندسازی زنان حاشیه شهر زاهدان تأثیر معناداری دارد.

¹ Goldman & Little

² Islam

- ۲- خدمات آموزشی نهادهای مدنی بر توانمندسازی زنان حاشیه شهر زاهدان تاثیر معناداری دارد.
- ۳- خدمات بهداشتی نهادهای مدنی بر توانمندسازی زنان حاشیه شهر زاهدان تاثیر معناداری دارد.
- ۴- خدمات اقتصادی نهادهای مدنی بر توانمندسازی زنان حاشیه شهر زاهدان تاثیر معناداری دارد.
- ۵- اعتماد به نهادهای مدنی بر توانمندسازی زنان حاشیه شهر زاهدان تاثیر معناداری دارد.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر با ماهیت کاربردی، تحقیق کمی از نوع همبستگی و روش پیمایشی صورت می‌گیرد. جامعه آماری شامل تمام زنانی است که در حاشیه شهر زاهدان واقع در منطقه شیرآباد سکونت دارند. با توجه به گستردگی و ناهمگونی این منطقه، برای دستیابی به نمونه‌ای نماینده و کاهش هزینه‌ها و زمان، روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای بکار گرفته شد. بدین منظور، ابتدا منطقه شیرآباد بر اساس محلات و بلوک‌های مسکونی به چند خوشه جغرافیایی تقسیم شد که هر خوشه از نظر بافت اجتماعی و اقتصادی شباهت نسبی داشت. سپس از میان خوشه‌های تشکیل شده، یک خوشه به صورت تصادفی ساده انتخاب گردید و در مرحله بعد، خانوارهای ساکن در خوشه منتخب به طور تصادفی گزینش شدند تا حجم نمونه نهایی بر اساس فرمول کوکران (۳۶۶ نفر) تکمیل گردید. در این پژوهش جهت جمع‌آوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه استفاده می‌شود. گویه‌های موجود در ابزار پرسشنامه بر اساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت طراحی شده است و این گویه‌ها برای اطمینان از روایی محتوایی توسط خبرگان متخصص مورد بازبینی قرار گرفته، که در نهایت با اعمال تغییرات مورد نظر، روایی آن مورد تأیید قرار گرفت.

تعریف متغیر وابسته توانمندسازی زنان: فرآیندی چند وجهی است که شامل آگاهی، باورها و ارزش‌های فردی و جمعی است که در ساختارها و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی قرار می‌گیرد (هیوز؛ ۲۰۱۷). توانمندسازی زنان دیدگاهی است که از زنان می‌خواهد آزادانه انتخاب شخصی خود را انجام دهند و توانایی‌های فردی خود را بیان کنند (کورتیس^۲ و همکاران، ۲۰۱۶). توانمندسازی زنان در دیدگاه جمع گرایانه به عواملی مانند مشارکت زنان در گروه‌های کوچک و درک زنان از علل بی‌اختیاری می‌پردازد که عوامل مهمی در توسعه توانمندی آنهاست (استرام کویست^۳، ۲۰۱۵). تحقیقات اخیر توانمندسازی را ترکیبی از اعتماد به نفس، استقلال، حساسیت به عوامل فرهنگی و دسترسی به قدرت در نظر می‌گیرند (هانسن^۴، ۲۰۱۵). عملیاتی سازی متغیر توانمندسازی زنان نیز با سه مولفه توانمندسازی فردی، اجتماعی و اقتصادی و مجموعاً با ۲۱ گویه در قالب طیف لیکرت عملیاتی شده است.

¹ Huis

² Kurtis

³ Stromquist

⁴ Hansen

تعریف متغیر مستقل نهادهای مردمی (مدنی): نهادهایی غیردولتی و غیر انتفاعی هستند که به صورت داوطلبانه، خودجوش و بدون هدف سود شخصی و جهت بهره‌وری شهروندان بوجود می‌آیند و در زمینه‌های گوناگون نظیر علمی، مذهبی، سیاسی، مالی، هنری، ورزشی، اجتماعی، خیرخواهانه، درمانی، توانبخشی، آبادانی و فرهنگی و... فعالیت می‌کنند و براساس نیاز گروه هدف خود خدمات عام المنفعه ارائه می‌دهند (صادقی، ۱۳۹۵). عملیاتی سازی این متغیر نیز با پنج مولفه ارائه خدمات حمایتی، آموزشی، بهداشتی، خدمات اشتغال و میزان اعتماد به این مجموعه و مجموعاً با ۲۶ گویه در قالب طیف لیکرت عملیاتی شده است.

برای تعیین پایایی پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. بر اساس جدول ۱ میتوان گفت که هر دو پرسشنامه نهادهای مدنی و توانمندسازی زنان و هر یک از ابعاد آن از پایایی مطلوبی برخوردار هستند. یافته‌های حاصل از جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از نرم افزار *Spss21* در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

جدول ۱. ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق

متغیرها	مولفه‌ها/شاخص‌ها	آلفای کرونباخ
خدمات حمایتی	مشاوره، ارتباط عاطفی، کمک در مواقع دشوار	۰/۸۹۵
خدمات آموزشی	کارگاه‌های با کیفیت، مهارت آموزی، سواد آموزی	۰/۷۱۲
خدمات بهداشتی	آگاهی رعایت بهداشت و روش‌های پیشگیری و مقابله با بیماری، تامین پزشک، پیشگیری از مشکلات جنسی، درمان بیماری‌های خاص	۰/۸۴۲
خدمات اقتصادی	کمک های مالی، هزینه کسب و کار و تسهیلات، پیگیری برای اشتغال، شزایط کسب دانش و تجربه کار	۰/۸۳۲
اعتماد به نهادهای مدنی	میزان علاقه به ارتباط، میزان رضایت، میزان اعتماد، مفید دانستن	۰/۸۰۵
کل پرسشنامه نهادهای مدنی		۰/۸۶۴
توانمندسازی فردی	قدرت تصمیم‌گیری، خودباوری، کارآمدی، استقلال	۰/۷۶۵
توانمندسازی اجتماعی	میزان ارتباط با انجمن‌ها، گروه‌ها و سازمانها و مهارت‌های گروهی و اجتماعی	۰/۶۹۸
توانمندسازی اقتصادی	مدیریت مالی زندگی، درآمدزایی عرفی؛ توانایی پس انداز، سرمایه گذاری، مهارت‌های کسب و کار	۰/۸۴۱
کل پرسشنامه توانمندسازی زنان		۰/۸۷۷

یافته‌های پژوهش

از بین افراد مورد بررسی، ۶۳ نفر (۱۳/۱ درصد) دارای سن کمتر از ۳۰ سال و کمترین فراوانی را داشتند و ۱۰۸ نفر (۳۲ درصد) دارای سن ۴۰ تا ۵۰ سال و بیشترین فراوانی را داشتند. ۹۸ نفر مجرد، ۲۰۷ نفر متاهل و ۶۱ نفر نیز متارکه بودند. ۲۶ نفر (۰/۸ درصد) آشنایی خیلی کم، ۴۴ نفر (۸/۲ درصد) آشنایی کم، ۱۲۹ نفر (۲۴/۸ درصد) آشنایی در حد متوسط، ۱۵۰ نفر آشنایی زیاد و ۶۷ نفر نیز آشنایی خیلی زیاد با سازمان -

های مردم نهاد داشتند. همچنین از بین افراد مورد بررسی ۱۴۶ نفر (۳۶ درصد) دیپلم و پایین تر، ۱۷۳ نفر (۴۲ درصد) فوق دیپلم، ۴۳ نفر (۱۱ درصد) لیسانس، ۴۳ نفر (۱۱ درصد) دارای تحصیلات تکمیلی هستند. بین افراد مورد بررسی ۱۵۱ نفر معادل ۴۱ درصد دارای شغل آزاد، ۱۷۹ نفر معادل ۴۹ درصد دارای شغل خانه‌دار و ۳۶ نفر معادل ۱۰ درصد دارای شغل کارمندی بودند. قومیت افراد مورد بررسی نیز ۳۲۳ نفر بلوچ و ۴۳ نفر سیستانی (غیربلوچ) بودند.

از بین مولفه‌های توانمندسازی زنان، مولفه توانمندسازی فردی با میانگین ۳/۷۶ بهترین وضعیت را دارد و مولفه توانمندسازی اقتصادی دارای میانگین ۳/۲۱ می‌باشد و مولفه توانمندسازی اجتماعی میانگین ۲/۹۷ را کسب کرده است. ضمن اینکه در توانمندسازی فردی، یک سوم (۳۳/۱ درصد) پاسخگویان از توانمندی بالایی برخوردارند. در توانمندسازی اجتماعی، دو سوم (۶۵/۳ درصد) پاسخگویان از توانمندی در حد متوسطی برخوردارند. در توانمندسازی اقتصادی، یک چهارم (۲۵/۷ درصد) پاسخگویان از توانمندی بالایی برخوردارند و در نهایت در توانمندسازی کلی زنان، سه چهارم (۷۵/۷ درصد) پاسخگویان از توانمندی بالایی برخوردار هستند.

جدول ۲. آزمون تحلیل واریانس توانمندسازی زنان بر حسب متغیرهای زمینه‌ای

		مجموع مربعات	df	میانگین مربعات	F	سطح معناداری
سن	بین گروهی	۶۳۲۸/۲۵	۴	۱۵۸۲/۰۶	۱۴/۶	/۰۰۰
	درون گروهی	۳۹۱۱۸/۴۲	۳۶۱	۱۰۸/۳۶		
	جمع کل	۴۵۴۴۶/۶۷	۳۶۵			
میزان آشنایی	بین گروهی	۵۰۴۴/۱۶	۴	۱۲۶۱/۰۴	۱۱/۲۶	/۰۰۰
	درون گروهی	۴۰۴۰۲/۵۱	۳۶۱	۱۱۱/۹۱		
	جمع کل	۴۵۴۴۶/۶۷	۳۶۵			
وضعیت تأهل	بین گروهی	۲۳۰۵/۷۳	۲	۱۱۵۲/۸۶	۹/۷	/۰۰۰
	درون گروهی	۴۳۱۴۰/۹۴	۳۶۳	۱۱۸/۸۴		
	جمع کل	۴۵۴۴۶/۶۷	۳۶۵			
وضعیت شغلی	بین گروهی	۱۵۲۴/۳۵	۴	۳۸۱/۰۸	۳/۱۷	/۰۱۴
	درون گروهی	۴۳۰۶۶/۴	۳۵۹	۱۱۹/۹۶		
	جمع کل	۴۴۵۹۰/۷	۳۶۳			

جدول (۲) آزمون همبستگی پیرسون میان توانمندسازی زنان و ابعاد آن را با متغیرهای مستقل این تحقیق نشان می‌دهد.

جهت آزمون رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای اسمی/ترتیبی نظیر شغل، وضعیت تأهل، سن، میزان آشنایی با نهادهای مدنی و میزان تحصیلات با متغیر فاصله‌ای توانمندسازی زنان از آزمون تحلیل واریانس (آنووا)

استفاده گردید. به نظر می‌رسد میانگین توانمندسازی زنان به تفکیک سن، میزان آشنایی با نهادهای مدنی، شغل و وضعیت تأهل تفاوت معناداری دارد. باتوجه به اینکه سطح معناداری این متغیرها کمتر از ۰/۰۵ است می‌توان گفت که بین متغیر سن، میزان آشنایی با نهادهای مدنی، شغل و وضعیت تأهل با توانمندسازی زنان رابطه معناداری وجود دارد. اما بین متغیر میزان تحصیلات با توانمندسازی زنان با توجه به سطح معنی داری ۰/۱۱ رابطه معنی داری وجود ندارد.

جدول ۳. آزمون همبستگی پیرسون میان توانمندسازی زنان و ابعاد آن با متغیرهای مستقل تحقیق

توانمندسازی (کل)		توانمندسازی (اقتصادی)		توانمندسازی (اجتماعی)		توانمندسازی (فردی)		
r	Sig	r	Sig	R	Sig	r	Sig	
۰/۳۷	۰/۰۰۰	۰/۱۱	۰/۰۳	۰/۳۲	۰/۰۰۰	۰/۲۱	۰/۰۰۰	خدمات حمایتی
۰/۱۷	۰/۰۰۱	۰/۰۴	۰/۴۱۸	۰/۲۱	۰/۰۰۰	۰/۰۹	۰/۰۹۵	خدمات آموزشی
۰/۱۰	۰/۰۵۵	۰/۰۲	۰/۶۷۶	۰/۱۲	۰/۰۲۵	۰/۰۷	۰/۱۸۰	خدمات بهداشتی
۰/۳۷	۰/۰۰۰	۰/۱۴	۰/۰۰۶	۰/۴۳	۰/۰۰۰	۰/۲۳	۰/۰۰۰	خدمات اقتصادی
۰/۴۶	۰/۰۰۰	۰/۳۴	۰/۰۰۰	۰/۴۰	۰/۰۰۰	۰/۳۸	۰/۰۰۰	اعتماد به نهادهای مدنی

در بررسی همبستگی میان متغیر توانمندسازی فردی و متغیرهای مستقل تحقیق، بیشترین میزان همبستگی بین دو متغیر اعتماد به نهادهای مدنی با متغیر توانمندسازی فردی زنان با ضریب همبستگی (۰/۳۸) و کمترین همبستگی بین متغیر توانمندسازی فردی با متغیرهای خدمات بهداشتی و خدمات آموزشی بود که رابطه همبستگی معناداری بین این متغیرها وجود نداشت.

در بررسی همبستگی میان متغیر توانمندسازی اجتماعی و متغیرهای مستقل تحقیق، بیشترین میزان همبستگی بین دو متغیر خدمات اقتصادی با متغیر توانمندسازی اجتماعی زنان با ضریب همبستگی (۰/۴۳) و کمترین همبستگی بین متغیر توانمندسازی اجتماعی با متغیر خدمات بهداشتی با ضریب همبستگی (۰/۱۲) می باشد.

در بررسی همبستگی میان متغیر توانمندسازی اقتصادی و متغیرهای مستقل تحقیق، بیشترین میزان همبستگی بین دو متغیر اعتماد به نهادهای مدنی با متغیر توانمندسازی اقتصادی زنان با ضریب همبستگی (۰/۳۴) و کمترین همبستگی بین متغیر توانمندسازی اقتصادی با متغیرهای خدمات بهداشتی و خدمات آموزشی بود که رابطه همبستگی معناداری بین این متغیرها وجود نداشت.

در بررسی همبستگی میان متغیر توانمندسازی زنان و متغیرهای مستقل تحقیق به ترتیب میزان رابطه، بین متغیرهای اعتماد به نهادهای مدنی، خدمات اقتصادی، خدمات حمایتی، خدمات آموزشی، با توانمندسازی زنان بطور کل رابطه معناداری وجود دارد. بیشترین میزان همبستگی بین دو متغیر اعتماد به نهادهای مدنی

با متغیر توانمندسازی زنان با ضریب همبستگی ($r = 0.46$) وجود داشت و کمترین همبستگی بین متغیر توانمندسازی زنان با متغیر خدمات بهداشتی بود که رابطه همبستگی معناداری بین این دو متغیر وجود نداشت.

جدول ۴. مدل رگرسیونی متغیرهای مستقل برای تبیین متغیر توانمندسازی زنان

ضریب همبستگی R	ضریب تعیین R Square	مقدار آزمون F	سطح معنی داری آزمون F
۰/۵۳۲	۰/۲۸۳	۴۶/۲۸	۰/۰۰۰
متغیرهای مستقل	ضریب تعیین B	ضریب Beta	مقدار t
سطح معناداری sig			
خدمات حمایتی	۰/۱۱	۰/۱۳	۵۷/۲
خدمات آموزشی	- ۰/۰۲	- ۰/۰۲	- ۰/۳۹۴
خدمات بهداشتی	- ۰/۰۷	- ۰/۰۹	- ۷۰/۱
خدمات اقتصادی	۰/۲۳	۰/۲۴	۲۱/۴
اعتماد به نهادهای مدنی	۰/۴۲	۰/۳۷	۸۸/۷

بر اساس داده های موجود در جدول ۳، مقدار ضریب تعیین (R^2) به دست آمده برابر با ۰/۲۸ می باشد که بیانگر آن است که ۲۸ درصد از کل تغییرات متغیر توانمندسازی زنان توسط نهادهای مدنی تبیین شده است و با توجه به سطح معناداری مدل رگرسیونی که کمتر از ۰/۰۵ می باشد، میتوان نتیجه گرفت این مقدار تبیین تغییرات متغیر توانمندسازی زنان توسط نهادهای مدنی معنادار می باشد و نهادهای مدنی تاثیر معناداری بر توانمندسازی زنان شیرآباد دارد. براساس ضریب بتا میتوان گفت به ترتیب متغیرهای مستقل اعتماد به نهادهای مدنی، خدمات اقتصادی و خدمات حمایتی در نهادهای مدنی بیشترین میزان تاثیر را در توانمندسازی زنان حاشیه شهر زاهدان داشته است.

بر اساس جدول ضرایب رگرسیونی (جدول ۳) مقدار ضریب استاندارد شده اثر جزئی متغیر مستقل ارائه خدمات حمایتی بر متغیر وابسته توانمندسازی زنان ۰/۱۳ می باشد. و با توجه به اینکه که مقدار SIG (کمتر از ۰/۰۵) است میتوان گفت ارائه خدمات حمایتی تاثیر معناداری بر توانمندسازی زنان دارد. مقدار ضریب استاندارد شده اثر جزئی متغیر مستقل ارائه خدمات آموزشی بر متغیر وابسته توانمندسازی زنان ۰/۰۲ - می باشد. و با توجه به مقدار SIG بیشتر از ۰/۰۵ نتیجه گرفته می شود که ارائه خدمات آموزشی تاثیر معناداری بر توانمندسازی زنان ندارد. مقدار ضریب استاندارد شده اثر جزئی متغیر مستقل ارائه خدمات بهداشتی و متغیر وابسته توانمندسازی زنان ۰/۰۹ - می باشد. مقدار SIG بیشتر از ۰/۰۵ نشانگر آن است

ارائه خدمات بهداشتی تأثیر معناداری بر توانمندسازی زنان ندارد. مقدار ضریب استاندارد شده اثر جزئی متغیر مستقل ارائه خدمات اشتغال زایی بر متغیر وابسته توانمندسازی زنان $0/24$ می باشد. مقدار SIG کمتر از $0/05$ گویای آن است که ارائه خدمات اشتغال زایی تأثیر معناداری بر توانمندسازی زنان دارد. مقدار ضریب استاندارد شده اثر جزئی متغیر مستقل میزان اعتماد به نهادهای مدنی بر متغیر وابسته توانمندسازی زنان $0/37$ می باشد. مقدار SIG کمتر از $0/05$ بیانگر آن است میزان اعتماد به نهادهای مدنی تأثیر معناداری بر توانمندسازی زنان دارد.

بحث و نتیجه گیری

این مطالعه با تمرکز بر زنان حاشیه شیرآباد شهر زاهدان، به بررسی تأثیر انواع خدمات نهادهای مدنی (خدمات حمایتی، آموزشی، بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی)، بر ابعاد مختلف توانمندسازی زنان (فردی، اجتماعی، اقتصادی و کل) می‌پردازد، تحلیل نتایج حاصل از یافته‌های تحقیق، الگوهای معناداری از روابط بین نهادهای مدنی با توانمندسازی زنان در این زمینه را آشکار ساخت. یافته‌های اصلی این تحقیق قویاً بر نقش اعتماد به نهادهای مدنی به عنوان یک عامل کلیدی و زیربنایی در توانمندسازی زنان حاشیه زاهدان تأکید می‌کند. همانطور که داده‌ها نشان می‌دهد، قوی‌ترین همبستگی مثبت و معنادار در میان تمامی ابعاد توانمندسازی زنان با متغیر اعتماد به نهادهای مدنی مشاهده شد، این یافته مؤید اهمیت حیاتی سرمایه اجتماعی و اعتبار نهادهای مدنی در ایجاد بستری مناسب برای مشارکت، دسترسی به منابع و افزایش حس خودکارآمدی در میان زنان حاشیه است، این امر نشان می‌دهد که صرف وجود نهادهای مدنی کافی نیست، بلکه میزان اعتمادی که زنان به این نهادها دارند، نقش تعیین‌کننده‌ای در اثربخشی فعالیت‌های آنها و در نهایت توانمندسازی زنان ایفا می‌کند و اعتماد، به مثابه یک تسریع کننده، سایر مداخلات را مؤثرتر می‌سازد.

در میان ابعاد خدمات ارائه شده توسط نهادهای مدنی، خدمات اقتصادی بیشترین همبستگی را با توانمندسازی اجتماعی زنان نشان می‌دهد، این یافته بر اهمیت دسترسی زنان به فرصت‌های اقتصادی، آموزش‌های شغلی و حمایت‌های مالی در تقویت نقش‌آفرینی اجتماعی و مشارکت آنها در فعالیت‌های گروهی و جمعی تأکید دارد. خدمات اقتصادی همچنین همبستگی معناداری با توانمندسازی فردی و اقتصادی به طور کلی دارد که نشان‌دهنده تأثیر گسترده‌تر این خدمات در ابعاد مختلف زندگی زنان است و بر این نکته دلالت دارد که بهبود وضعیت اقتصادی، زمینه را برای مشارکت فعال‌تر در سایر عرصه‌ها و کسب و کار نیز فراهم می‌آورد. یافته‌های مربوط به خدمات حمایتی نیز نشان‌دهنده همبستگی مثبت و معنادار این خدمات با توانمندسازی کل زنان است، که حاکی از نقش مثبت ارائه حمایت‌های روانی، مالی، اجتماعی و حقوقی در کاهش آسیب‌پذیری‌ها، افزایش تاب‌آوری و ارتقاء وضعیت کلی زنان و در نتیجه توانمندسازی آنها در برابر چالش‌های محیطی می‌باشد. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات بشیری گیوی و همکاران (۱۳۹۸)؛ هبیز (۲۰۲۲) و اسلام (۲۰۱۴) مطابقت دارد. این فرضیه در راستای نظریه کبیر و فوکو

نشان می‌دهد نهادهای مدنی، دسترسی به منابع حمایتی و قدرت درونی لازم را برای توانمندسازی زنان در سطوح مختلف فراهم می‌کند.

نکته قابل توجه در این تحقیق، عدم وجود همبستگی معنادار میان خدمات بهداشتی و خدمات آموزشی با برخی از ابعاد توانمندسازی زنان، به ویژه توانمندسازی فردی و اقتصادی است. اگرچه ممکن است این خدمات به صورت غیرمستقیم و در بلندمدت بر توانمندسازی زنان مؤثر باشند، اما در این مطالعه، رابطه مستقیم و معناداری در ابعاد فردی و اقتصادی مشاهده نشد. در عین حال، خدمات آموزشی همبستگی معناداری با توانمندسازی اجتماعی کل زنان نشان داد که ممکن است به دلیل نقش آموزش در افزایش آگاهی و مهارت‌های لازم برای مشارکت اجتماعی باشد. کمترین میزان همبستگی نیز میان توانمندسازی اجتماعی و خدمات بهداشتی مشاهده شد که هرچند از نظر آماری معنادار بود اما شدت این رابطه نسبتاً ضعیف ارزیابی می‌شود. عدم معناداری رابطه بین خدمات بهداشتی با توانمندسازی کل زنان نیز یکی دیگر از یافته‌های کلیدی است که نیاز به تأمل دارد. این یافته‌ها می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که در بافت زاهدان، ممکن است دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی به تنهایی برای ایجاد تغییرات معنادار در توانمندسازی فردی، اقتصادی یا کلی زنان حاشیه کافی نباشد و نیاز به همراهی با سایر مداخلات و یا بازنگری در محتوا و روش ارائه این خدمات برای انطباق بیشتر با نیازهای توانمندسازی وجود دارد.

نتایج این فرضیه بسیار نزدیک به نظریه کبیر می‌باشد که به درستی اشاره می‌کند: آموزش با ارتقاء مهارت‌ها می‌تواند، توانمندی زنان را افزایش دهد و زمینه ساز افزایش فرصت و انتخاب برای زنان شود. همچنین، در رابطه با مردم زاهدان باید اشاره شود، شرایط اقتصادی مردم زاهدان و استان سیستان و بلوچستان نسبت به کشور در سطح پایین‌تری قرار دارد. شاخص‌های بیکاری بسیار بالا و سرمایه‌گذاری در استان پایین است. ممکن است برای زنان مناطق کم‌برخوردار خیلی از فعالیت‌ها و پروژه‌های آموزشی که اثر بلند مدت دارد، جذاب نباشد و اغلب مردم دنبال این هستند که نیازهای اولیه‌شان تامین شود و برای همین است که اغلب فکر می‌کنند نهادهای مدنی تامین کننده اقلام خوراکی آنها هستند و این مسئله قابل درک است؛ چرا که این روزها، بحث معیشت یک بحران است. طبق هرم مازلو، شاید سوق مردمی که درگیر نیازهای اولیه خود هستند به آگاهی و فعالیت آموزشی و بهداشتی سخت و زمانبر باشد. از طرفی زمانی که مداخلات با نگاه بالا به پایین صورت می‌گیرد و برای آموزش به افراد نیاز سنجی انجام نمی‌گیرد، فعالیت‌های آموزشی از اولویت خارج می‌شود. همچنین، پایین بودن امکانات بهداشتی و نبودن مراکز بهداشتی و درمانی مناسب در استان سیستان و بلوچستان به حد کافی، که مردم استان و به ویژه زنان را با مشکلات زیادی در زمینه بهداشتی مواجه کرده است، می‌تواند یکی از دلایل رد این فرضیه باشد.

در مجموع، نتایج این مطالعه به وضوح نشان می‌دهد که در میان زنان حاشیه زاهدان، اعتماد به نهادهای مدنی به عنوان مهمترین عامل و دسترسی به خدمات اقتصادی به عنوان مؤثرترین خدمت نهادی، از قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های توانمندسازی در ابعاد مختلف، به ویژه ابعاد فردی، اقتصادی، اجتماعی و کل،

هستند. خدمات حمایتی نیز نقش مهمی در توانمندسازی کلی ایفا می‌کند. در مقابل، نقش خدمات بهداشتی و آموزشی در توانمندسازی فردی و اقتصادی به نظر می‌رسد محدودتر بوده یا نیازمند همراهی با عوامل دیگر است. از منظر نظری، این مطالعه با تأیید نقش محوری اعتماد اجتماعی و خدمات اقتصادی نهادهای مدنی در توانمندسازی زنان حاشیه در بافتی خاص مانند زاهدان، به غنای نظریه‌های توانمندسازی و نقش نهادهای مدنی در توسعه اجتماعی کمک می‌کند و بر اهمیت رویکردهای چندبعدی که هم به سرمایه اجتماعی و هم به سرمایه فرهنگی و اقتصادی توجه دارند، تأکید می‌ورزد. این یافته‌ها همچنین بر اهمیت ملاحظات بومی، فرهنگی و اقتصادی در طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه در مناطق حاشیه تأکید می‌کنند.

با توجه به اهمیت توانمندسازی زنان حاشیه شهر زاهدان در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فردی، نگاه تک بعدی و صرفاً نگاه به مسائل اقتصادی نمیتواند عامل توانمندسازی زنان باشد، تفکیک اعمال نیکوکارانه و نگاه واقع بینانه به مسئله کم برخورداری افراد و برخورد مناسب با جامعه هدف که تماماً نتیجه آموزش تسهیلگری در این زمینه است مانند کنترل احساسات، نگاه برابر در تمام مراحل و مشخص کردن محدوده مداخلات، می‌تواند در این مسیر بسیار کمک کننده باشد. بطور کلی نتایج این تحقیق نشان داد زنانی که خودشان و یا فرزندانشان با برنامه‌ها و طرح‌های توانمندسازی نهادهای مدنی مواجه بودند از نظر فردی و اجتماعی و اقتصادی از توانایی بالاتری نسبت به زنانی که هنوز فرصت عضویت در این سازمان های مردم نهاد نیافته‌اند و آموزش‌های مختلف در ابعاد فوق‌الذکر مواجه نشده‌اند، برخوردار بودند. میزان اثر نهادهای مدنی بر توانمندسازی زنان حاشیه شهر زاهدان علی‌رغم فعالیتهای مختلف ۲۸ درصد بدست آمد که از میانگین عملکرد نهادهای مدنی در سطح کشور پایینتر است و نیاز به آسیب شناسی دارد. همچنین تأکید بر تقویت اعتماد اجتماعی به نهادهای مدنی از طریق افزایش شفافیت، پاسخگویی، مشارکت فعال زنان در فرایندهای تصمیم‌گیری و ایجاد فضاهای امن و حمایتی امری حیاتی و زیربنایی است. سرمایه‌گذاری هدفمند و افزایش دسترسی به برنامه‌های اقتصادی شامل آموزش‌های مهارت‌آموزی کاربردی، تسهیل دسترسی به بازار کار و حمایت از ایجاد و توسعه کسب‌وکارهای کوچک توسط زنان، می‌تواند تأثیر چشمگیری بر توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی آنها داشته باشد. اگرچه خدمات آموزشی و بهداشتی برای رفاه زنان ضروری هستند، اما برای افزایش تأثیر آنها بر ابعاد فردی و اقتصادی توانمندسازی، ممکن است نیاز به بازنگری در محتوا، روش ارائه و یا ترکیب آنها با سایر مداخلات، به ویژه در زمینه کارآفرینی و سلامت زنان باشد. در نهایت اهمیت دادن به نهادهای مدنی و گسترش حوزه فعالیت آنها، هماهنگی بین نهادهای مدنی، ایجاد دفاتر تسهیلگری با مشارکت محلی زنان، برگزاری جشنواره‌های فرهنگی، بازارهای محلی هفتگی چندمنظوره، تأسیس بازارچه‌های آنلاین برای زنان با برند محلی، برپایی کلینیک‌های مشاوره‌ای چندمنظوره از جمله راهبردهای توانمند سازی زنان با استفاده از ظرفیت سازمان های مردم نهاد است.

منابع

- ۱- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران: کیهان.
- ۲- آبرین، مهسا (۱۴۰۲). بررسی میزان تاثیر نهادهای مدنی در توانمندسازی زنان ساکن حاشیه شهر زاهدان (مورد مطالعه: شیرآباد)، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- ۳- آرامش، حامد؛ دهقانی، مسعود؛ سارانی، سمیرا (۱۴۰۰). عوامل مؤثر بر کارآفرینی اجتماعی و توانمندسازی زنان حاشیه‌نشین شهر زاهدان، *پژوهش‌های مدیریت عمومی*، ۱۴(۵۲)، ۱۶۸-۱۴۳.
- ۴- براهویی، آرزو؛ ابراهیم زاده آسمین، حسین؛ اسدی سروستانی، خدیجه (۱۴۰۰). بررسی جامعه‌شناختی تأثیر حاشیه‌نشی بر مدیریت شهری (مطالعه‌ی موردی: ناحیه‌ی کریم آباد شهر زاهدان). *فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای*، ۲(۲)، ۴۴-۲۵.
- ۵- بوذرجمهری، خدیجه؛ جوانی، خدیجه (۱۴۰۱). نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توانمندسازی زنان روستایی (مورد مطالعه: روستاهای شهرستان رشتخوار، استان خراسان رضوی). *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ۵۴(۲)، ۷۵۱-۷۳۵.
- ۶- بیدار، زهرا؛ قاسمی، غلامعلی (۱۳۹۹). نقش سازمان‌های مردم‌نهاد بر توسعه حق بر سلامت. *حقوق پزشکی*، ۱۴(۵۲)، ۲۶-۷.
- ۷- شیردل، الهام (۱۴۰۱). اثربخشی آموزش مجازی در زمینه توانمندسازی فکری-اجتماعی زنان خانه‌دار در کارآفرینی. *مهارت آموزی*، ۱۱(۴۲)، ۸۲-۷۱.
- ۸- صالحی، مطهره؛ سالارزهی، حبیب‌الله؛ ایمانی، عبدالمجید (۱۴۰۱). تحلیل و تبیین ظرفیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد در راستای توانمندسازی ساکنان مناطق حاشیه‌نشین. *جامعه فرهنگ رسانه*، ۱۱(۴۳)، ۱۹۰-۱۵۳.
- ۹- صیامی، قدیر؛ ستاری وند، ملیحه. (۱۴۰۰). تحلیل استراتژیک از راهبردهای توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در سکونت‌گاه‌های غیررسمی با تأکید بر کارآفرینی مطالعه موردی: محلات انصار و اروند در شهرک شهید رجایی مشهد. *زن در توسعه و سیاست*، ۱۹(۳)، ۴۲۷-۴۰۵.
- ۱۰- قادر زاده، امید؛ رضازاده، فاطمه (۱۳۹۸). مطالعه‌ی تجربه‌ی زیسته و درک زنان از مشارکت در نهادهای مدنی. *دو فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۶(۱۴)، ۹۶-۶۳.
- ۱۱- کشاورزی، فهیمه؛ شمشیری، بابک. (۱۳۹۹). الگوی کاربردی توسعه توانمندسازی زنان جامعه ایرانی: یک پژوهش ترکیبی. *زن در توسعه و سیاست*، ۱۸(۳)، ۴۸۴-۴۶۳.
- ۱۲- مرکز آمار ایران (۱۴۰۳). *نتایج طرح آمارگیری نیروی کار*، تهران: معاونت طرح‌های آماری و آمارهای ثبتی. <https://www.amar.org.ir>

- ۱۳- نامداریان، لیلا؛ خدمتگزار، حمید رضا (۱۴۰۳). واکاوی کارآفرینی زنان عضو هیئت علمی در ایران: موانع، پیشران‌ها، و راهبردها. *پژوهش‌نامه زنان*، ۱۵(۴۹)، ۱-۲۰.
- ۱۴- نصیری ولیک بنی، فخرالسادات؛ بهشتی راد، رقیه. (۱۳۹۳). بررسی نقش سقف شیشه‌ای بر کاهش عدالت سازمانی ادراک شده. *زن در توسعه و سیاست*، ۱۲(۴)، ۱۷۲-۱۴۹.

References

1. Achmad, W., Nurwati, N., Fedryansyah, M., & Sumadinata, R.W.S. (2022). Women's Social Capital for Empowering Poor Households. *International Journal of Artificial Intelligence Research*, 6(1), 22-40.
2. Al Hakim, G., Bastian, B. L., Ng, P. Y., & Wood, B. P. (2022). Women's Empowerment as an Outcome of NGO Projects: Is the Current Approach Sustainable? *Administrative Sciences*, 12(2), 62. <https://doi.org/10.3390/admsci12020062>
3. Bennis, H. (2016). The role of NGOs in women's empowerment: The case of Tunisia, *Master's dissertation*, The Center of Arab Woman for Training and Research.
4. Bereni, L. (2021). The women's cause in a field: rethinking the architecture of collective protest in the era of movement institutionalization. *Social Movement Studies*, 20(2), 208-223. <https://doi.org/10.1080/14742837.2019.1679107>
5. Goldman, M., & Little, J. (2015). Innovative Grassroots NGOS and the Complex Processes of Women's Empowerment: An Empirical Investigation from Northern Tanzania. *World Development*. 66, 762-777. 10.1016/j.worlddev.2014.09.005.
6. Gudan, S., Steward, J., & Subhashini, A. (2024). The Role of Women in Economic Development. *Shanlax International Journal of Economics*. 12, 94-103. 10.34293/economics. v12i2.7211.
7. Hansen, N. (2015). The development of psychological capacity for action: The empowering effect of a microfinance programme on women in Sri Lanka. *Journal of Social Issues*, 71, 597-613.
8. Hibbs, L. (2022). "I could do that!" The role of a women's non-governmental organisation in increasing women's psychological empowerment and civic participation in Wales. *Women's Studies International Forum*, 90, 102557. 10.1016/j.wsif.2021.102557.
9. Huis, M. A., Hansen, N., Otten, S., & Robert L. (2017). A three-dimensional model of women's empowerment: Implications in the field of microfinance and future directions. *Frontiers in Psychology*, 8, 1678.
10. Islam, M. (2014). Women's Empowerment in Bangladesh: A Case Study of Two NGOs. *Electronic Journal*, 10, 2139.

11. Kabeer, N. (1999). Resources, agency, achievements: Reflections on the measurement of women's empowerment. *Development and Change*, 30, 435–64.
12. Kabeer, N. (2010). Women's empowerment, development interventions and the management of information flows. *ids Bulletin*, 41, 105–13.
13. Kabeer, N. (2011). Between affiliation and autonomy: Navigating pathways of women's empowerment and gender justice in rural Bangladesh. *Development and Change*, 42, 499–528.
14. Kurtis, T., Glenn, A., & Estrada-Villalta, S. (2016). Decolonizing empowerment: Implications for sustainable well-being. *Analyses of Social Issues and Public Policy*, 16, 387–91.
15. Le, K., & Nguyen, M. (2021). How education empowers women indeveloping countries. *The BE Journal of Economic Analysis & Policy*, 21(2), 511-536.
16. Meena, K. K., & Mehra, R. (2014). Indian women: Safety and empowerment in the 21st century. *International Journal of Engineering Development and Research*, 2(2), 2702-2707.
17. Mishra, P. K., S. K. Mishra, & M. K. Sarangi. (2020). Do women's advancement and gender parity promote economic growth? Evidence from 30 Asian countries. *Millennial Asia*, 11, 5–26.
18. Sanze, N., Bamfo, B.A., & Takyi, L.N. (2024). Intervention programs and women empowerment: the role of skills acquisition and development and financial independence. *Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy*, 18(6), 1296-1312. 10.1108/jec-03-2024-0038
19. Stromquist, N. P. (2015). Women's Empowerment and Education: linking knowledge to transformative action. *European Journal of Education*, 50, 307–324.
20. Terzioğlu, R. (2024). Women's Empowerment Activities of Non-Governmental Organizations in Türkiye: Refugee and Local Women's Triple Role. *Advances in Women's Studies*. 6, 11-18. 10.51621/aws.1455564.
21. Vijayamohanan, P. N., Asalatha, B. P., & Ponnuswamy, B. (2009). Women in development–Dissecting the discourse. Available online: https://mpa.ub.uni-muenchen.de/13119/1/Women_in_Development_The_Discourse_and_the_Policy.pdf